

سیاست خارجی دولت چهاردهم تخاصم با آمریکا یا مشکل سوءرفتار؟



کوروش احمدی

دیپلمات‌پیشین

با توجه به نقش تعیین‌کننده‌ای که سیاست خارجی در شرایط حال و آینده کشور یافته و نظر به تعلیقی که از این رهگذر مبتلا به اقتصاد شده و شرایط «نه جنگ، نه صلحی» که توصیه به رفع آن شده است، در چند ماه گذشته سیاست خارجی و عملکرد وزارت خارجه بیش از پیش زیر ذره‌بین بوده است. اگر چه تمرکز قاعدا تا پیشتر باید بر سیاست خارجی باشد تا عملکرد دستگاهی که وظیفه‌اش پیشبرد سیاست خارجی از راه‌های دیپلماتیک است، اما از آنجا که این دو رابطه متقابل با هم دارند، نگاهی به هر دو ضروری است.

در ارتباط با سیاست خارجی در چند دهه اخیر همواره دو دیدگاه با هم در کشمکش بوده‌اند: ۱- دیدگاهی که مشکلات را ناشی از رفتارها و سیاست‌های دو طرف می‌داند و معتقد است در صورت تغییر یا تعدیل رفتارها، تنش‌زدایی با غرب و آمریکا ممکن است. ۲- دیدگاهی که بر انقلاب مدام تأکید دارد و نظم و نظام بین‌المللی را غیرقابل قبول می‌داند و بر حل‌نشدنی‌بودن تخصص با غرب، به‌ویژه آمریکا، تأکید دارد. صرف‌نظر از اینکه نظام طی دهه‌های گذشته چه دیدگاهی داشته، دولت‌های ختمی و روحانی عمداً بر مبنای فرض‌های دیدگاه اول کار کرده‌اند و دو دولت احمدی‌نژاد و مرحوم رئیسی عمداً معتقد به دیدگاه دوم بوده‌اند. مطابق دیدگاه دوم، دشمنی بین ایران و آمریکا مبنایی و حل‌نشدنی است و فقط در مقطعی و تحت شرایط خاصی و به صورت تاکتیکی امکان گفت‌وگو و رفع برخی مشکلات ممکن است وجود داشته باشد.

تا آنجا که به دولت چهاردهم برمی‌گردد، به نظر می‌رسد تکلیف این دولت چندان روشن نیست. نظراتی که تاکنون رئیس این دولت و وزیر خارجه‌اش ابراز کرده‌اند، حاکی از نوعی بلاکلیفی است. دکتر پزشکیان همواره دیدگاه اول را بازتاب داده است. ایشان در مقاله‌ای در ۲۳ تیر ۱۴۰۳ در تهران‌تایمز که با دیدی توسعه‌گرا تنظیم شده بود، نوشت: «دولت من قصد دارد سیاستی فرصت‌گرا را پیگیری کند که با ایجاد «تعادل» در روابط با همه کشورها، منطق با منافع ملی، توسعه اقتصادی و نیازهای صلح و امنیت منطقه و جهان باشد. در این راستا، از تلاش‌های صادقانه برای کاهش تنش‌ها استقبال می‌کنیم و با صداقت به صداقت پاسخ خواهیم داد». ایشان در همان مقاله از سیاست‌های آمریکا مانند از دست‌دادن «فرصت تاریخی» برجام، «راه‌اندازی جنگ اقتصادی علیه ایران»، ترور سردار سلیمانی، سوءاستفاده از آن بی‌ثنی و تضعیف آن، «حمایت فعالانه و بی‌دریغ از اسرائیل» و... انتقاد کرده است. ایشان چنین دیدگاه‌هایی را ازجمله در جریان مبارزات انتخاباتی و نیز در اولین سخنرانی در سازمان ملل و بعد از آن بازتاب داده است.

این در حالی است که مواضع آقای دکتر عراقچی تاکنون عمداً دیدگاه دوم را بازتاب داده است. او در سخنرانی خود در نشست رای اعتماد در مجلس گفت: «نبر ما با نظام سلطه نبردی دائمی است». او تأکید کرد «دیپلماسی مقاومت» که برگرفته از «مکتب مقاومت» است، در کانون توجه سیاست خارجی دولت چهاردهم قرار خواهد داشت. ایشان در این سخنرانی ضمن تأکید بر توسعه روابط با «چین، روسیه و دیگر کشورهایی که در زمان سختی و تحریم همراه ما بوده‌اند»، افزود: «اگر اروپا رفتارهای نادرست و خصمانه خود را نسبت به جمهوری اسلامی ایران اصلاح کند، در فهرست اولویت‌های ما قرار خواهد گرفت و بالاخره، سیاست ما در مورد آمریکا، سیاست «مدیریت تخصص» خواهد بود». ایشان درباره محور مقاومت گفت: «حمایت از مقاومت در راس برنامه‌های ما قرار خواهد داشت». و دولت چهاردهم تمامی ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک خود را برای شناساندن اهداف محور مقاومت به افکار عمومی جهانی، جلب حمایت کشورهای منطقه و به رسمیت شناخته‌شدن بازگیران محور مقاومت در صحنه بین‌المللی به‌عنوان جنبش‌های مردمی و آزادی‌بخش به کار خواهد گرفت».

صرف‌نظر از مباحث ماهوی درباره مضامینی مانند «رفع‌ناشدنی‌بودن تخصص با آمریکا»، «نبرد دائمی با نظام سلطه» و «قرارداشتن دیپلماسی مقاومت در کانون توجه دولت»، مشکل اصلی در بُعد عمل‌گرایانه است و آن

اینکه طرح چنین مضامینی از سوی یک وزیر خارجه، کار با هم‌تایان خارجی را برای ایشان بسیار دشوار بلکه غیرممکن می‌کند.

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۴
۲۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
۱۸ نوامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۵۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

گزارش «شرق» از حواشی تصویب کلیات طرح کاهش سقف ضمانت اجرائی مهریه در مجلس از ۱۱۰ به ۱۴ سکه

مهریه در بن بست طرح جدید

گزارش تیربیک را در صفحه ۱۰ بخوانید

نگاهی به آینده روابط ایران و روسیه در دوران پساماشه در گفت‌وگو با نعمت‌الله ایزدی و علی اکبر فرازی

تهران بر سر دوراهی «اعتماد» و «اجتناب»



این بزرگوار در صفحه ۲ بخوانیدعکس:علیاس کوشی‌شوق

یادداشت

ایران؛ کلید ثبات در شرق



حامدنفی‌او

کارشناس سیاست خارجی

شود. اما فقدان به‌رسمیت‌شناسی بین‌المللی و بحران‌های داخلی، این مسیر را دشوار کرده است. پاکستان در این میان نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند؛ از یک سو حامی سنتی طالبان بوده و از سوی دیگر با چالش‌های امنیتی ناشی از مرزهای مشترک و حضور گروه‌های افراطی مواجه است. روابط اسلام‌آباد و کابل همواره پرتنش بوده و در سال‌های اخیر بارها به درگیری‌های مرزی و بحران‌های دیپلماتیک منجر شده است. در چنین فضایی، ایران به‌عنوان همسایه‌ای که هم با افغانستان مرز طولانی دارد و هم با پاکستان روابط اقتصادی و امنیتی گسترده، می‌تواند به‌عنوان میانجی وارد عمل شود. ظرفیت ایران برای میانجیگری را باید در سه سطح بررسی کرد: نخست، موقعیت ژئوپلیتیک؛ زیرا ایران در قلب منطقه‌ای قرار دارد که حلقه اتصال آسیای مرکزی، غرب آسیا و شبه‌قاره است. این موقعیت به تهران امکان

می‌دهد تا در معادلات منطقه‌ای نقش پل ارتباطی را ایفا کند. مرز مشترک با افغانستان، دسترسی به آب‌های آزاد از طریق خلیج فارس و ارتباط تاریخی با شبه‌قاره، همگی ایران را به بازیگری تبدیل کرده‌اند که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. دوم، ظرفیت اقتصادی؛ ایران با وجود تحریم‌ها همچنان یکی از اقتصادهای بزرگ منطقه است و می‌تواند از ابزارهای اقتصادی برای ایجاد پیوند میان اسلام‌آباد و کابل استفاده کند. تجارت مرزی، انرژی و پروژه‌های ترانزیتی مانند کریدور شرق می‌توانند زمینه‌های همکاری سه‌جانبه را فراهم کنند. سوم، ظرفیت سیاسی و دیپلماتیک که ایران تجربه طولانی در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای دارد و این سابقه می‌تواند در پرونده پاکستان و افغانستان نیز به کار گرفته شود.

از منظر امنیتی، ثبات افغانستان و روابط متوازن با پاکستان برای ایران حیاتی است. هرگونه بی‌ثباتی در افغانستان، به‌طور مستقیم بر امنیت مرزهای شرقی ایران تأثیر می‌گذارد؛ از قاچاق مواد مخدر گرفته تا موج‌های مهاجرت. همچنین، روابط پرتنش کابل و اسلام‌آباد می‌تواند زمینه‌ساز گسترش افراط‌گرایی در منطقه شود که تهدیدی جدی برای ایران خواهد بود. بنابراین میانجیگری ایران نه‌تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت امنیتی است. ایران می‌تواند با استفاده از روابط خود با طالبان و همچنین کانال‌های دیپلماتیک با پاکستان، زمینه گفت‌وگو و کاهش تنش را فراهم کند.

بااین‌حال، این خوداتنقادی (خودیونگرایی) رئیس دولت هرچند با نهایت خلوص، تواضع و... باشد، اما نه‌تنها گره از کار کشور و حکومت نمی‌گشاید، بلکه گره‌ها را کورتر می‌کند. چنان‌که رئیس دولتی که عنوان اصلاحات را بر تارک خود داشت، ضمن توصیه حمایت مردم از دولت، در تذکری به رئیس آن می‌گوید: «دولت محترم نیز برای بازپس‌گرفتن حقوق و اختیارات خود و اعمال بهتر و بیشتر آنچه در اختیار دارد، تلاش بیشتر، علمی‌تر و با برنامه‌ریزی سنجیده‌تر کند» (محمد خاتمی - ۸/۲/۲۲).

یک جنبه دردناک ماجرا البته آن است که این سخنان از سوی کسی عنوان می‌شود که خود شاید وضعیتیت تراژیک‌تر داشت. دولتی که با بزرگ‌ترین پشتوانه رای مردمی در دو دوره به قدرت رسید، اما اسیر هزارتوهای قدرت و ثروت شد و ...

از این سخنان آقای پزشکیان: «قسم می‌خورم بیکر حق همه شما مردم عزیز خواهیم بود و کاری خواهیم کرد که فقر و تبعیض و دروغ و فساد در این مملکت رخت ببند... یک گروه خاص نمی‌تواند با ۱۰ یا ۱۵ درصد از جمعیت بر کشور حکومت کنند و برای مردم تصمیم بگیرند... اگر نتوانستم به گفته‌ها و قول‌هایم عمل کنم، از ادامه کارهای سیاسی خداحافظی خواهم کرد و ادامه نخواهم داد. قرار نیست عمرمان را تلف کنیم و توانیم به مردم خدمت کنیم» (۱۴۰۳/۴/۱۳) تا این گفته‌ها: «به هرچه می‌خواهیم دست‌بزنیم می‌گویند به این دست نزن... در برق مشکل داریم، در آب مشکل داریم، در گاز مشکل داریم... همه چیز پر از مشکل است. به هر جا دست بزنیم یک جا دردش می‌آید» (۹/۱۷) و سرانجام این اقدامات: «در حوزه صرفه‌جویی حتی در نهاد ریاست‌جمهوری چمن‌ها را خشک کردیم و استخر را جمع کردیم و در حال صرفه‌جویی هستیم» (۱۴۰۴/۸/۲۰) چه اتفاقی رخ داده است؟!

دولتی که از تغییر، امید و... می‌گفت، به کلافگی در مهار بحران آب، برق و گاز تا کسری بودجه و رکود تولید و خروج نخبگان و... می‌رسد و شعاع غمیش عجالتاً به محوطه چمن و استخر ریاست‌جمهوری محدود می‌شود! دولتی که بزرگ اما کوچک است و زمانی بزرگ شمرده می‌شود که تصمیم‌گیر نهایی باشد و بازتاب‌دهنده و نماینده خواست و اراده مردم در ساختار قدرت، به نظر درد همان درد تاریخی است.



نخست‌وزیر برکنار شده بنگلادش به اتهام جنایت علیه بشریت به اعدام محکوم شد

**حکم جنجالی
برای «شیخ حسینه»**

برگزیده‌ها

گزارشی درباره چالش تعیین نرخ انرژی در ایران که مواضع راست‌گرایان را با جریان یابرداری همگرا کرده است

قیمت ناشیانه

گفت‌وگو با رحیم فروغی
به مناسبت انتشار دو نمایش‌نامه از امین معلوف

احضار ارواح تاریخ

سومین جام جهانی متوالی از دست می‌رود؟
ایتالیا

و باز هم کابوس پلی‌آف

نقدی بر عملکرد متناوب سازمان‌ها
و نهادهای ذی‌ربط به کنکور سراسری

چی شد؟! چی شد پس...

تحلیلی بر رویداد هفته دبیران تهران
**تلاشی ستودنی برای
تداوم یک سنت حرفه‌ای**

نگاه

بحران آب در تهران

یادداشتی از حسن فتاحی

یادداشت

**درباره سخنان
رئیس قوه مجریه**



احسان هوشمند

بزرگی ساختار دولت و بهره‌وری نامتناسب و کم نیروی انسانی یکی از چالش‌های بزرگ ساختار دیوان‌سالاری کشور است. در دهه‌های گذشته، هم‌زمان با طرح این چالش از طرف کارشناسان مبنی بر حجیم‌بودن و بزرگی نامتناسب ساختار دولت، روند بزرگ‌شدن ساختار دولت استمرار داشته؛ در نتیجه، هر روز بر شمار حقوق‌بگیران دولتی افزوده شده است. افزایش شمار کارکنان دستگاه‌های دولتی موجب فشار بر دولت از نظر تأمین بودجه مورد نیاز برای پرداخت حقوق و مزایای این کارمندان و کارکنان می‌شود. همچنین شمار درخور توجه کارکنان دولتی موجب شده‌ تا در روند اداره امور کشور نیز خلل وارد شده و روند اجرای برنامه‌ها با موانع بیشتری روبه‌رو شود؛ چراکه دستگاه‌های اداری با تعریف وظایفی برای این حجم از کارمندان، در عمل روند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرا را پیچیده‌تر کرده‌اند و البته زمینه‌های جدیدی برای فساد احتمالی نیز ایجاد شده است. در روزهای گذشته رئیس قوه مجریه در مصاحبه با رسانه‌ها در این زمینه با ذکر مثالی درباره شمار کارکنان نهاد ریاست‌جمهوری گفت: «در نهاد رئیس‌جمهوری چهار هزار نیرو داریم. شاید با ۴۰۰ نفر و حتی ۴۰ نفر هم می‌شود، ۴۰ نفر خیلی کم است، اما با ۴۰۰ نفر می‌شد حل کرد. با آنها چه کار کنم؟ بیرون‌شان کنم؟ نمی‌شود، او هم تقصیر ندارد، ما او را استخدام کردیم، ما به او گفتیم اینجا بنشین، اما کاری به او نداریم. اگر کاری می‌دادیم، کار می‌کرد. چگونه این ساختار و ناترازی که دولت‌ها در روند کار به دلیل ناآگاهی و نبود مدیریت ایجاد کردند و همچنان ادامه دارد، به وجود آمده؛ چراکه هرکسی که آمده یک لشکر با خودش آورده و هی هزینه را بالا می‌برد، بدون اینکه کنترل کند».